

Submit Date: 08 April 2025
Revise Date: 19 July 2025
Accept Date: 27 July 2025
Publish Date: 31 December 2025

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

From Translation to Adaptation: Evaluating the Effects of Localizing Sexual Victimization Monitoring Tools in the Iranian Cultural Context

Seyyede Marzieh Mirmasoomnejad¹, Jan Ahmad Aghaei^{*2}, Saeed Hakimiha³, Mojtaba Janipour⁴

1. Department of Law, La.C., Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

2. Department of Law, BaA.C., Islamic Azad University, Anzali, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, University Of Eyvanakey, Semnan, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

* Corresponding Author's Email: ahmadage1965@gmail.com

ABSTRACT

The aim of this study is to examine the effects of localizing the instruments and procedures used to monitor women's sexual victimization on the quality of data collected in a culturally and religiously conservative society such as Iran. This experimental research involved administering two standardized questionnaires—translated from international sources and culturally localized—to two groups of women from a university in the city of Rasht. Each group consisted of 50 participants, matched based on demographic characteristics. The analysis revealed that the localized version, through the use of terminology aligned with local norms and beliefs, the omission of sensitive or ambiguous concepts, and adherence to the community's value frameworks, sometimes led to increased disclosure of victimization experiences. In addition, qualitative interviews with victimized women highlighted the role of factors such as modesty, self-censorship, fear of judgment, and concern for family honor in shaping how participants responded to the questions. This article demonstrates that localizing assessment tools is not only a methodological necessity but also a cultural prerequisite for generating valid data on sexual victimization in societies like Iran, where internationally developed victimization monitoring surveys are typically based on frameworks from leading, predominantly Western, countries.

Keywords: localization, sexual victimization, victim-centered monitoring, victimization survey, sexual crimes, dark figure of crime

How to cite: Mirmasoomnejad, S. M., Aghaei, J. A., Hakimiha, S., & Janipour, M. (2025). From Translation to Adaptation: Evaluating the Effects of Localizing Sexual Victimization Monitoring Tools in the Iranian Cultural Context. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(4), 1-24.



تاریخ ارسال: ۱۹ فروردین ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۲۸ تیر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۵ مرداد ۱۴۰۴
تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

از ترجمه تا تطبیق: ارزیابی اثرات بومی سازی ابزارهای پایش بزه‌دیدگی جنسی در بستر فرهنگی ایران

سیده مرضیه میرمعصوم نژاد^۱، جان احمد آقایی^{۲*}، سعید حکیمیه^۳، مجتبی جانی پور^۴

۱. گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد انزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، انزلی، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایوان کی، سمنان، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: ahmadage1965@gmail.com

چکیده

هدف این مطالعه، بررسی تأثیرات بومی سازی ابزار و روش اجرای پایش بزه‌دیدگی جنسی زنان بر کیفیت داده‌های گردآوری شده در یک جامعه مذهبی و فرهنگی مانند ایران است. پژوهش حاضر با طراحی آزمایشی، دو پرسشنامه استاندارد (ترجمه‌شده از منابع بین‌المللی) و بومی سازی شده را در میان دو گروه از زنان یکی از دانشگاههای شهر رشت به اجرا گذاشت. هر گروه شامل ۵۰ نفر بود که از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی همسان سازی شده بودند. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که نسخه بومی سازی شده، به واسطه به کارگیری واژگان منطبق با عرف و باورهای محلی، حذف مفاهیم حساس یا مبهم، و رعایت چارچوب‌های ارزشی جامعه، گاهی منجر به افزایش میزان افشای تجربه بزه‌دیدگی شد. در کنار این، مصاحبه‌های کیفی با زنان بزه‌دیده، بر نقش مؤلفه‌هایی چون حیا، خودسانسوری، ترس از قضاوت، و ملاحظات آبروی خانوادگی در نحوه پاسخ‌دهی به پرسش‌ها تأکید داشتند. این مقاله نشان می‌دهد که بومی سازی ابزارهای سنجش، نه تنها ضرورتی روش‌شناختی، بلکه پیش‌شرطی فرهنگی برای تولید داده‌های معتبر در زمینه بزه‌دیدگی جنسی در جوامعی چون ایران به شمار می‌رود، زیرا پرسشنامه‌های بین‌المللی پایش‌های بزه‌دیدگی براساس الگوی کشورهای پیشرو در این زمینه که غالباً کشورهای غربی هستند تدوین می‌گردد.

کلیدواژگان: بومی سازی، بزه‌دیدگی جنسی، پایش بزه‌دیده محور، پیمایش از بزه‌دیده، جرائم جنسی، رقم سیاه جرم

نحوه استناددهی: میرمعصوم نژاد، سیده مرضیه، آقایی، جان احمد، حکیمیه، سعید. و جانی پور، مجتبی. (۱۴۰۴). از ترجمه تا تطبیق: ارزیابی اثرات بومی سازی ابزارهای پایش بزه‌دیدگی جنسی در بستر فرهنگی ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۴)، ۱-۲۴.



اجرای پایش بزه‌دیدگی به خصوص در جرائم جنسی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در سنجش سطح سلامت اجتماعی و عدالت کیفری، همواره با چالش‌های روش‌شناختی و فرهنگی عمیقی مواجه بوده است. در بسیاری از جوامع، بویژه جوامع محافظه‌کار و مذهبی، افشای تجربه‌های مرتبط با خشونت جنسی با بار روانی سنگین و محدودیت‌های فرهنگی، شرم اجتماعی، و بی‌اعتمادی به نظام عدالت کیفری همراه است. همین امر موجب می‌شود داده‌های رسمی مثل آمار پلیسی، نشان دهنده واقعیت مجرمانه جامعه نباشد و آنچه در اصطلاح جرم‌شناختی به «رقم سیاه جرائم» شهرت دارد، به شکل معناداری در حوزه جرائم جنسی پدیدار شود.

در چنین زمینه‌ای، ابزارهای سنجش تجربیات بزه‌دیدگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در کشف واقعیت اجتماعی دارند. با این حال، بسیاری از این ابزارها (که عمدتاً با تکیه بر تجربیات جوامع غربی توسعه یافته‌اند) در بستر فرهنگی ایران به دلیل تفاوت‌های زبانی، ارزشی، و حساسیت‌های اجتماعی، ناکارآمد یا ناقص عمل می‌کنند. پژوهش حاضر با تمرکز بر بومی‌سازی ابزارهای پایش بزه‌دیدگی جنسی در ایران، می‌کوشد تا نشان دهد چگونه تغییرات در اصطلاحات، لحن، ساختار و مفاهیم سوالات و پوشش و برخورد پرسشگران می‌تواند بر سطح پاسخ‌دهی، صداقت شرکت‌کنندگان، و نهایتاً کیفیت داده‌های گردآوری شده تأثیرگذار باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پایه نظری این پژوهش بر ادبیات جرم‌شناسی، آمار جنایی و روان‌شناسی اجتماعی استوار است. در دهه‌های اخیر، محققان متعددی بر لزوم طراحی ابزارهای سنجش با در نظر گرفتن زمینه فرهنگی تأکید کرده‌اند (Drugs & Crime, 2010; Van Dijk, 2007).

پژوهش‌های بین‌المللی به روشنی نشان داده‌اند که ابزارهای استانداردسازی شده اگر بدون بومی‌سازی اجرا شوند، ممکن است منجر به تحریف واقعیت یا کاهش نرخ مشارکت شوند. برای مثال در گزارش‌های تحلیلی ICVS دیده شده که در برخی کشورها (به‌ویژه در آسیا، آفریقا یا کشورهای مسلمان‌نشین)، نرخ پاسخ‌دهی به برخی سوالات حساس (مثل خشونت جنسی یا خشونت خانوادگی) پایین‌تر است (Saleh, 2015; Bakhtiari, 2017; Nejad, 2017). این به ضعف در بومی‌سازی ابزارها و عدم تطابق با هنجارهای فرهنگی آن جوامع نسبت داده شده. از سوی دیگر، کتابچه راهنمای سازمان ملل برای پایش بزه‌دیدگی (UNODC) نیز لزوم طراحی ابزار با ملاحظات زبانی و فرهنگی را، خصوصاً در حوزه خشونت جنسی، از اصول کلیدی در موفقیت پایش‌های بزه‌دیدگی می‌داند.

در ایران، برخی مطالعات مانند میرمعصوم‌نژاد (۱۳۹۵) به تفاوت معنادار میان آمار رسمی و واقعیت اجتماعی در جرائم مزاحمت خیابانی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که توجه به اصطلاحات و فضای فرهنگی در تنظیم پرسشنامه تأثیر مستقیمی بر صداقت در پاسخ‌دهی دارد. پژوهش آرام (۱۳۹۳) نیز بر تأثیر فرهنگ سازمانی دستگاه‌های رسمی در انعکاس آمار جرم تأکید کرده و رقم سیاه جرائم جنسی را در ایران قابل توجه دانسته است (Aram, 2014).

بر اساس این پیشینه، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا بومی‌سازی ابزار پایش می‌تواند به افزایش نرخ افشای تجربه بزه‌دیدگی جنسی در ایران منجر شود؟ و اگر چنین است، کدام مؤلفه‌های فرهنگی بیشترین نقش را در شکل‌گیری این تفاوت ایفا می‌کنند؟

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی اثرات بومی‌سازی ابزار اجرای پایش بزه‌دیدگی جنسی در ایران، از رویکردی ترکیبی (کمی-

پرسشنامه‌ها در مکان‌های امن و به‌صورت حضوری و فردبه‌فرد توسط پرسشگر زن آموزش‌دیده اجرا شد. به پاسخ‌دهندگان اطمینان کامل از رازداری و عدم ثبت مشخصات شخصی داده شد. اجرای پرسشنامه‌ها با رعایت اصول اخلاقی و کسب رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان انجام گرفت. برای افزایش صحت پاسخ‌ها، در گروه پرسشنامه بومی، از راهبردهایی چون تطبیق سبک پوشش پرسشگران، زبان غیرمستقیم، و ارائه مثال‌های قابل فهم استفاده شد.

تحلیل داده‌ها

داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. آزمون‌های آماری به‌کاررفته شامل:

- آزمون تی مستقل (Independent Samples T-test)

(test) برای مقایسه میانگین‌ها،

- آزمون مجذور کای (Chi-square) برای بررسی

تفاوت فراوانی‌ها در متغیرهای طبقه‌ای،

- و محاسبه اندازه اثر (Effect Size) برای بررسی میزان

تفاوت معنادار.

در کنار تحلیل کمی، داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با تعدادی از زنان تجربه‌دیده و کارشناسان عدالت کیفری (از جمله پلیس، بهزیستی و اورژانس اجتماعی) نیز جمع‌آوری شد تا دید عمیق‌تری نسبت به موانع فرهنگی، روانی و اجتماعی افشای بزه‌دیدگی فراهم شود.

یافته‌های تحقیق

مقایسه نتایج پرسشنامه‌ها

پرسشنامه‌ها در قالب مصاحبه‌های حضوری توسط مصاحبه‌گران آموزش‌دیده تکمیل شده‌اند تا ضمن حفظ دقت پاسخ‌ها، از موانع فرهنگی و زبانی که ممکن است در پاسخگویی زنان تأثیرگذار باشند، کاسته شود. دسته اول، ترجمه‌ی مستقیم یک پرسشنامه استاندارد بین‌المللی است که در سال ۲۰۱۲ در ایالات متحده

کیفی) بهره‌می‌برد. تمرکز اصلی بر مقایسه دو نوع پرسشنامه (یکی ترجمه‌شده از نسخه استاندارد بین‌المللی سازمان ملل (UNODC)، و دیگری بومی‌سازی‌شده با توجه به شاخص‌های فرهنگی، زبانی، مذهبی و ارزشی جامعه ایران) بوده است.

جامعه آماری این مطالعه، زنان یکی از دانشگاه‌های شهرستان رشت بوده‌اند. برای اجرای مطالعه، تعداد ۱۰۰ نفر زن به‌صورت داوطلبانه و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و در دو گروه ۵۰ نفری تقسیم گردیدند؛ گروه اول پرسشنامه ترجمه‌شده و گروه دوم پرسشنامه بومی‌سازی‌شده را تکمیل کردند. شرکت‌کنندگان از نظر متغیرهایی چون سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و محل سکونت هم‌تراز شده بودند تا کنترل نسبی بر متغیرهای مخدوش‌گر برقرار باشد.

ابزار گردآوری داده

دو نوع پرسشنامه برای سنجش تجربه بزه‌دیدگی جنسی طراحی و اجرا شد:

- پرسشنامه اول: ترجمه‌شده از الگوی بین‌المللی پایش بزه‌دیدگی سازمان ملل (UNODC) با تمرکز بر مصادیقی چون لمس ناخواسته، تعرض کلامی، اصرار به رابطه جنسی، و تجاوز. این پرسشنامه با ترجمه مستقیم اما بدون تعدیل زبانی یا فرهنگی اجرا شد.
- پرسشنامه دوم: بومی‌سازی‌شده بر اساس اصول زبانی، ارزشی و فرهنگی جامعه ایران. در این نسخه، واژگان حساس با اصطلاحاتی تعدیل‌شده جایگزین شدند، ساختار سؤالات به نحوی تغییر یافت که حفظ حریم شخصی و احساس امنیت پاسخ‌دهنده تقویت شود، و همچنین مفاهیم مغایر با عرف اجتماعی حذف یا با لفافه‌های فرهنگی بیان شدند.

روش اجرای مطالعه

مؤثر در درک و بیان بزه‌دیدگی و استخراج عوامل کلیدی برای بومی‌سازی موفق ابزارهای سنجش است.

مقایسه کلی میزان اعلام بزه‌دیدگی جنسی در دو نوع پرسش‌نامه (صرفاً ترجمه‌شده و بومی‌سازی‌شده)

در این بخش، به مقایسه ابتدایی نتایج به دست آمده از دو نسخه پرسش‌نامه مورد استفاده در طرح پایش (یکی ترجمه‌شده از نسخه استاندارد آمریکایی و دیگری بومی‌سازی‌شده بر اساس ملاحظات فرهنگی ایران) پرداخته می‌شود. این مقایسه صرفاً به صورت کلی صورت گرفته و تحلیل تفکیکی هر یک از عوامل بومی‌سازی در بخش‌های بعدی فصل بررسی خواهد شد. متن کامل پرسش‌نامه‌ها در ضمیمه شماره یک و دو ضمیمه شده است.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که در این تحلیل مدنظر قرار گرفته، میزان پاسخ‌دهندگانی است که اعلام کرده‌اند در طول زندگی خود تجربه‌ای از تحمیل فعالیت جنسی ناخواسته داشته‌اند. این شاخص به عنوان یکی از مهم‌ترین سنجه‌های بزه‌دیدگی جنسی، معیاری قابل اتکا برای ارزیابی اثربخشی ابزار سنجش تلقی می‌شود.

بر اساس داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه ترجمه‌شده، تعداد افرادی که اعلام کرده‌اند فعالیت جنسی ناخواسته بر آن‌ها تحمیل شده است، ۳۹ نفر از مجموع ۵۰ پاسخ‌دهنده بوده است. جدول زیر توزیع فراوانی پاسخ‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۱. میزان تجربه فعالیت ناخواسته جنسی در پرسش‌نامه ترجمه شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۳۹	۷۸.۰٪	۷۸.۰٪	۷۸.۰٪
خیر	۱۱	۲۲.۰٪	۲۲.۰٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۵۰	۱۰۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	

آمریکا برای پایش بزه‌دیدده محور جرائم جنسی طراحی و به کار گرفته شده بود. دسته دوم، نسخه‌ای بومی‌سازی‌شده از همان پرسش‌نامه است که با تکیه بر عوامل فرهنگی، اجتماعی و زبانی مطرح‌شده در فصل دوم تحقیق تدوین گردیده است. این نسخه بومی‌سازی‌شده، نه صرفاً در سطح واژگان، بلکه در ساختار پرسش‌ها، لحن مصاحبه‌گر، ترتیب سؤالات و حتی پوشش و ظاهر افراد مصاحبه‌گر نیز تغییراتی بنیادین داشته است.

فرضیه اصلی این پژوهش آن است که بومی‌سازی ابزار و روش اجرای پایش بزه‌دیدگی (شامل طراحی پرسش‌نامه، آموزش مصاحبه‌گران، نوع برخورد آن‌ها با پاسخ‌گویان، و حتی عناصر ظاهری و رفتاری) می‌تواند به افزایش میزان افشای تجربه‌های بزه‌دیدگی جنسی منجر شود. این امر می‌تواند نشانه‌ای از اعتمادسازی موفق توسط مجریان طرح تلقی گردد. در نتیجه، استفاده از ابزار بومی‌سازی‌شده می‌تواند به کاهش رقم سیاه جرائم جنسی در فرآیند پایش منجر شود و تصویر دقیق‌تری از واقعیت اجتماعی در اختیار پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار دهد.

در ادامه، داده‌های به دست آمده از مرحله میدانی به تفکیک انواع بومی‌سازی صورت‌گرفته تحلیل خواهد شد و تأثیر هر یک از این عناصر بر سطح پاسخ‌گویی، کیفیت اطلاعات و نرخ افشا مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که هدف این تحقیق، نه ارزش‌گذاری میان دو فرهنگ متفاوت، بلکه کشف تفاوت‌های

در مقابل، در پرسش نامه بومی سازی شده، تعداد افرادی که به تجربه مشابهی اشاره کرده اند، ۴۳ نفر از ۵۰ نفر گزارش شده است. این افزایش می تواند یکی از نشانه های اولیه اثربخشی بومی سازی ابزار در افزایش اعتماد پاسخ گویان و کاهش موانع روانی-فرهنگی در بیان تجربه بزه دیدگی باشد. جدول آماری مربوطه در زیر آمده است:

جدول ۲. میزان تجربه فعالیت ناخواسته جنسی در پرسشنامه بومی سازی شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۴۳	۸۶.۰٪	۸۶.۰٪	۸۶.۰٪
خیر	۷	۱۴.۰٪	۱۴.۰٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۵۰	۱۰۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	

نتیجه این مقایسه اولیه نشان می دهد که ابزار بومی سازی شده در مقایسه با نسخه ترجمه شده، میزان بالاتری از افشای بزه دیدگی جنسی را ثبت کرده است (۸۶٪ در مقابل ۷۸٪). این تفاوت، هرچند در نگاه اول عددی محدود به نظر می رسد، اما در پژوهش هایی که با داده های پنهان و حساس مواجهه اند، می تواند دارای اهمیت نظری و عملی قابل توجهی باشد. در ادامه فصل، با تحلیل دقیق تر عوامل بومی سازی، تلاش خواهد شد تا ابعاد دقیق تری از این تفاوت مورد بررسی قرار گیرد.

۱- لمس بدن

پرسش نامه ترجمه شده

جدول ۳. میزان تجربه لمس بدن در پرسشنامه ترجمه شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۲۸	۵۶.۰٪	۷۱.۸٪	۷۱.۸٪
خیر	۱۱	۲۲.۰٪	۲۸.۲٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۳۹	۷۸.۰٪	۱۰۰.۰٪	

پرسش نامه بومی سازی شده

جدول ۴. میزان تجربه لمس بدن در پرسشنامه بومی سازی شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۴۰	۷۲.۰٪	۸۳.۷٪	۸۳.۷٪
خیر	۳	۱۴.۰٪	۱۶.۳٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۴۳	۸۶.۰٪	۱۰۰.۰٪	

۲- اصرار برای برقراری رابطه جنسی

پرسش نامه ترجمه شده

جدول ۵. میزان تجربه اصرار برای برقراری رابطه جنسی در پرسشنامه ترجمه شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۲۵	۵۰.۰٪	۶۴.۱٪	۶۴.۱٪
خیر	۱۴	۲۸.۰٪	۳۵.۹٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۳۹	۷۸.۰٪	۱۰۰.۰٪	

پرسش نامه بومی سازی شده

جدول ۶. میزان تجربه اصرار برای برقراری رابطه جنسی در پرسشنامه بومی سازی شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۳۰	۴۴.۰٪	۵۱.۳٪	۵۱.۳٪
خیر	۱۳	۴۲.۰٪	۴۸.۸٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۴۳	۸۶.۰٪	۱۰۰.۰٪	

۳- شنیدن الفاظ رکیک جنسی یا در میان گذاشتن ناخواسته فانتزی‌ها

جدول ۷. میزان تجربه شنیدن الفاظ رکیک جنسی یا در میان گذاشتن ناخواسته فانتزی‌ها در پرسشنامه ترجمه شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۲۴	۴۸.۰٪	۶۱.۵٪	۶۱.۵٪
خیر	۱۵	۳۰.۰٪	۳۸.۵٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۳۹	۷۸.۰٪	۱۰۰.۰٪	

پرسش‌نامه بومی‌سازی شده

جدول ۸. میزان تجربه شنیدن الفاظ رکیک جنسی یا در میان گذاشتن ناخواسته فانتزی‌ها در پرسشنامه بومی‌ساز شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۴۰	۷۲.۰٪	۸۳.۷٪	۸۳.۷٪
خیر	۳	۱۴.۰٪	۱۶.۳٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۴۳	۸۶.۰٪	۱۰۰.۰٪	

۴- تلاش برای تجاوز جنسی

پرسش‌نامه ترجمه‌شده

جدول ۹. میزان تجربه تلاش برای تجاوز در پرسشنامه ترجمه شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۱۷	۳۴.۰٪	۴۶.۲٪	۴۶.۲٪
خیر	۲۲	۴۴.۰٪	۵۳.۸٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۳۹	۷۸.۰٪	۱۰۰.۰٪	

جدول ۱۰. میزان تجربه تلاش برای تجاوز در پرسشنامه بومی سازی شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۳۰	۴۰.۰٪	۴۶.۵٪	۴۶.۵٪
خیر	۱۳	۴۶.۰٪	۵۳.۵٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۴۳	۸۶.۰٪	۱۰۰.۰٪	

۵- تجاوز جنسی

پرسش‌نامه ترجمه شده

جدول ۱۱. میزان تجربه تجاوز جنسی در پرسشنامه ترجمه شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۱۲	۲۴.۰٪	۳۰.۸٪	۳۰.۸٪
خیر	۲۷	۵۴.۰٪	۶۹.۲٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۳۹	۷۸.۰٪	۱۰۰.۰٪	

پرسش‌نامه بومی‌سازی شده

جدول ۱۲. میزان تجربه تجاوز جنسی در پرسشنامه بومی سازی شده

گزینه پاسخ	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۱۴	۳۴.۰٪	۳۹.۵٪	۳۹.۵٪
خیر	۲۹	۵۲.۰٪	۶۰.۵٪	۱۰۰.۰٪
مجموع	۴۳	۸۶.۰٪	۱۰۰.۰٪	

شده است. جدول زیر نتایج حاصل از آزمون را برای هر یک از شاخص‌های مورد بررسی نشان می‌دهد:

برای بررسی معناداری آماری تفاوت در میزان گزارش‌دهی مصادیق مختلف بزه‌دیدگی جنسی بین دو نوع پرسش‌نامه (ترجمه شده و بومی‌سازی شده)، از آزمون کای دو (χ^2) استفاده

جدول ۱۳. نتایج آزمون کای دو در مقایسه مصادیق فعالیت ناخواسته جنسی در پرسش نامه ترجمه شده و بومی سازی شده

دسته	مقدار کای دو (χ^2)	مقدار p	درجه آزادی	تفسیر
فعالیت ناخواسته	۰.۶۱	۰.۴۳۵	۱	تفاوت معنادار نیست.
لمس بدن	۵.۱۰	۰.۰۲۴	۱	تفاوت معنادار است.
اصرار برای رابطه	۰.۱۰	۰.۷۵۷	۱	تفاوت معنادار نیست.
الفاظ رکیک / فانتزی‌ها	۱۰.۰۷	۰.۰۰۲	۱	تفاوت معنادار است.
تلاش برای تجاوز	۴.۷۱	۰.۰۳۰	۱	تفاوت معنادار است.
تجاوز	۲.۱۲	۰.۱۴۵	۱	تفاوت معنادار نیست.

بر اساس نتایج آزمون کای دو، تفاوت میان داده‌های حاصل از دو پرسش‌نامه در سه دسته از مصادیق تعرض جنسی به‌طور آماری معنادار ارزیابی شده است:

- لمس بدن ($p = 0.024$)
- الفاظ رکیک یا فانتزی‌های ناخواسته ($p = 0.002$)
- تلاش برای تجاوز ($p = 0.030$)

در این سه مورد، سطح افشای بزه‌دیدگی در پرسش‌نامه بومی‌سازی شده به‌طور معناداری بیشتر از پرسش‌نامه ترجمه شده بوده است. این تفاوت می‌تواند نشانه‌ای از افزایش اعتماد و کاهش موانع افشاگری در نتیجه بومی‌سازی پرسش‌ها، نحوه بیان، و نحوه تعامل مصاحبه‌گر با پاسخ‌دهنده باشد.

در مقابل، برای مواردی مانند فعالیت جنسی ناخواسته ($p = 0.435$)، اصرار برای برقراری رابطه جنسی ($p = 0.757$) و تجاوز جنسی ($p = 0.145$) تفاوت بین دو نوع پرسش‌نامه معنادار نبوده است. این امر ممکن است ناشی از پیچیدگی فرهنگی و روانی این دسته‌ها، حساسیت بالاتر موضوع، یا در برخی موارد، برداشت‌های مشابه از واژگان کلیدی در هر دو نسخه پرسش‌نامه باشد.

راهکارهای بومی‌سازی طرح و نتایج آن بر میزان اعلام بزه-دیدگی

در این بخش، راهکارهای اتخاذ شده در راستای بومی‌سازی ابزار پایش و تأثیرات آن بر میزان اعلام بزه‌دیدگی به‌صورت تفکیک شده

بررسی خواهد شد. هدف از این تحلیل، ارزیابی نقش هر عنصر در تسهیل فرایند افشاگری بزه‌دیدگان و سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت پاسخ‌گویی بوده است.

تأثیر استفاده از اصطلاحات مطابق با فرهنگ موجود

در سال‌های اخیر، درک عمومی نسبت به جرائمی نظیر تجاوز جنسی در فضای فرهنگی جامعه ایران با تغییراتی همراه بوده است. یکی از یافته‌های مصاحبه‌های کیفی پیش از اجرای پرسش‌نامه نشان داد که واژه "تجاوز" دیگر همچون گذشته لزوماً با قضاوت یا سرزنش قربانی همراه نیست، بلکه برای بسیاری از افراد، تداعی‌کننده موقعیت یک بزه‌دیده است، نه یک مقصر. این تغییر در نگرش عمومی، زمینه را برای گنجاندن مستقیم‌تر این اصطلاح در ابزار سنجش فراهم کرده است.

با این حال، همچنان استفاده از واژگان بی‌پرده یا حاوی جزئیات جنسی آشکار، در میان بسیاری از پاسخ‌دهندگان (به‌ویژه در گروه‌های با پیش‌زمینه مذهبی یا سنتی قوی) حساسیت‌زا تلقی می‌شود. به همین دلیل، در نسخه بومی‌سازی شده پرسش‌نامه، استفاده از اصطلاحات غیرمستقیم یا ملایم‌تر در دستور کار قرار گرفت. این راهکار از دو جهت می‌تواند بر میزان پاسخ‌گویی اثر بگذارد:

۱. در سطح کلی پاسخ‌گویی: برخی اصطلاحات صریح

ممکن است حتی برای افراد غیرقربانی نیز تداعی‌کننده

پیش‌زمینه اجتماعی پاسخ‌گو... نیز در این فرایند تأثیرگذار بوده‌اند و نمی‌توان اثرات آن‌ها را نادیده گرفت.

آنچه از بررسی مبحث نخست برمی‌آید آن است که استفاده از اصطلاحات منطبق با ساختار فرهنگی جامعه، نقش مهمی در تسهیل روند افشای بزه‌دیدگی جنسی ایفا می‌کند. تغییر واژگان صریح و گاه خشونت‌بار به عبارات غیرمستقیم یا نرم‌تر، نه تنها از شدت شوک روانی پاسخ‌دهنده می‌کاهد، بلکه احساس امنیت بیشتری برای مشارکت در فرآیند افشاگری ایجاد می‌کند. با این حال، این تغییر زبانی باید با دقت و حساسیت صورت گیرد؛ چرا که اگر اصطلاحات بیش از حد مبهم یا بی‌اثر انتخاب شوند، ممکن است به کاهش شفافیت داده‌ها و ناتوانی در تشخیص واقعی بزه‌دیدگی بینجامند. تجربه اجرای این طرح نشان داد که در فضای فرهنگی امروز ایران، اگرچه تابوهای زبانی تا حدی شکسته شده‌اند، اما همچنان گفت‌وگو پیرامون جزئیات تعرض جنسی برای بسیاری از پاسخ‌دهندگان دشوار است. از این‌رو، انتخاب واژگان باید در نقطه‌ی تعادلی میان "قابلیت فهم عمومی"، "احترام به حساسیت فرهنگی" و "وضوح مفهومی" قرار گیرد. این تجربه نشان می‌دهد که زبان، نه فقط ابزار ارتباط، بلکه در پایش‌های بزه‌دیدگی، خود یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی کیفیت داده‌هاست.

حذف مواردی که در فرهنگ موجود پذیرفته‌نشده یا از منظر قانونی ممنوع تلقی می‌شوند

یکی دیگر از اقداماتی که در فرآیند بومی‌سازی ابزار تحقیق لحاظ گردید، اصلاح یا حذف گزاره‌هایی بود که با هنجارهای فرهنگی و ساختار قانونی جمهوری اسلامی ایران در تعارض بودند. یکی از این موارد، بخش مربوط به «وضعیت رابطه» در پرسش‌نامه ترجمه شده بود. در نسخه اصلی که در ایالات متحده مورد استفاده قرار گرفته، این بخش شامل گزینه‌هایی نظیر: متأهل، مطلقه، جدانشده، بیوه، در رابطه بدون ازدواج و مجرد بود.

احساس شرم، ناراحتی یا قضاوت باشد و موجب شود که فرد از تکمیل کل پرسش‌نامه اجتناب کند.

۲. در سطح پاسخ‌دهی بزه‌دیدگان: بزه‌دیدگانی که آمادگی روانی برای بازگویی تجربه‌ی خود را دارند، ممکن است در مواجهه با سوالاتی که دارای واژگان حساس یا حاوی جزئیات آسیب‌زا هستند، واکنشی تدافعی یا پرهیزگرایانه داشته باشند و به این دلیل، در ادامه پاسخ به پرسش‌نامه اطلاعات دقیقی ارائه ندهند.

در اجرای نسخه بومی‌سازی‌شده، تغییرات زبانی نه تنها در متن پرسش‌نامه، بلکه در شیوه بیان مصاحبه‌گران نیز اعمال شده است. برای مثال، در مواجهه با پاسخ‌دهندگان از گروه‌های سنی، اعتقادی یا فرهنگی خاص، مصاحبه‌گران از اصطلاحاتی با شدت کمتر و واژگان غیرمستقیم‌تر بهره گرفته‌اند تا حس امنیت روانی و پذیرش بیشتری در روند مصاحبه ایجاد شود. این در حالی است که در نسخه صرفاً ترجمه‌شده، عبارات به طور مستقیم و بدون تعدیل‌های فرهنگی به کار گرفته شده‌اند.

به‌عنوان نمونه، در پرسش دوم از بخش دوم پرسش‌نامه‌ها (پیوست‌های یک و دو)، برخی اصطلاحات جنسی که دارای بار منفی شدید بودند در نسخه بومی‌سازی‌شده حذف یا تعدیل شده‌اند (گزینه‌های ب، د، و، ه). این تغییر اگرچه در ظاهر جزئی به نظر می‌رسد، اما در عمل، واکنش روانی پاسخ‌دهندگان را متأثر ساخته است.

با وجود اینکه سهم دقیق این عامل به تنهایی در افزایش میزان پاسخ‌گویی قابل سنجش آماری نیست، ولی تفاوت‌های مشاهده شده در نرخ افشای بزه‌دیدگی میان دو گروه نشان‌دهنده‌ی اثر بالقوه‌ی استفاده از اصطلاحات فرهنگی سازگار در افزایش سطح مشارکت و دقت پاسخ‌هاست. البته باید توجه داشت که سایر متغیرهای هم‌زمان (نظیر پوشش، لحن مصاحبه‌گر، شرایط محیطی،

نتیجه، در نسخه بومی سازی شده پرسش نامه، به جای استفاده از عنوان «نوع ارتباط جنسی فعلی»، از اصطلاح وضعیت تأهل بهره گرفته شد که بار ارزشی و قضایی کمتری دارد و با ساختار هنجاری جامعه هم راستا تر است.

در همین راستا:

- گزینه «مطلقه» با «جدا شده» ادغام گردید؛
- عبارت «در رابطه بدون ازدواج» به دلیل ممنوعیت قانونی و حساسیت فرهنگی شدید، به طور کامل حذف شد؛
- اصطلاح «بیوه» که در فرهنگ عمومی دارای بار منفی و دلالت های ضمنی ناخوشایند است، با عبارت خنثی تر «فوت همسر» جایگزین گردید.

در نهایت، گزینه های وضعیت تأهل در نسخه بومی سازی شده عبارت بودند از: متأهل، مجرد، فوت همسر، و جدا شده از همسر.

در نظام اجتماعی-حقوقی آمریکا، تفاوت روشنی میان «مطلقه» و «جدا شده» وجود دارد. دوره ای که زوجین تصمیم به پایان رابطه می گیرند، اما هنوز مراحل رسمی طلاق به پایان نرسیده، به عنوان «دوره جدایی» شناخته می شود. در این دوره، طرفین معمولاً از هم جدا زندگی می کنند، پیوند عاطفی میان شان کاهش یافته، و حتی برقراری رابطه جدید خارج از ازدواج نیز معمولاً با برچسب «خیانت» تلقی نمی شود. پس از طی این مرحله و ثبت رسمی طلاق، اصطلاح «مطلقه» به کار می رود.

اما در بافت فرهنگی و حقوقی ایران، این تمایز عملاً وجود ندارد. اصطلاحات «جدا شده» و «مطلقه» در ذهن اغلب افراد مترادف تلقی می شوند. تا زمانی که صیغه طلاق جاری نشده، زن و شوهر از منظر شرع و قانون «محسن» تلقی می شوند و هرگونه رابطه جنسی با فرد دیگر تحت عنوان «زنا محصنه» جرم انگاری می گردد. در

پرسش نامه ترجمه شده

جدول ۱۴. نوع ارتباط پاسخ دهندگان در پرسشنامه ترجمه شده

نوع ارتباط				
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency	
۲۲.۰	۲۲.۰	۲۲.۰	۱۱	متاهل
۳۰.۰	۸.۰	۸.۰	۴	بیوه
۴۰.۰	۱۰.۰	۱۰.۰	۵	مطلقه
۷۰.۰	۳۰.۰	۳۰.۰	۱۵	جدا شده
۷۲.۰	۲.۰	۲.۰	۱	در رابطه بدون ازدواج
۱۰۰.۰	۲۸.۰	۲۸.۰	۱۴	مجرد
	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۵۰	Total

پرسش نامه بومی سازی شده

جدول ۱۵. وضعیت تاهل پاسخ دهندگان در پرسش نامه بومی سازی شده

تاهل				
Cumulative Percent	Valid Percent	Percent	Frequency	
۳۴.۰	۳۴.۰	۳۴.۰	۱۷	متاهل
۸۲.۰	۴۸.۰	۴۸.۰	۲۴	مجرد
۹۴.۰	۱۲.۰	۱۲.۰	۶	فوت همسر
۱۰۰.۰	۶.۰	۶.۰	۳	جدایی از همسر
	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۵۰	Total

قانونی محدود می‌کند و در نتیجه احتمال ناراحتی یا امتناع پاسخ‌گویان را کاهش می‌دهد؛ اما این اقدام ممکن است به از دست رفتن بخشی از اطلاعات مربوط به تجربه‌های واقعی بزه‌دیدگی (به ویژه در زمینه‌هایی که افشای آنها با تابوهای اجتماعی یا موانع قانونی مواجه است) بینجامد. بدین ترتیب، هرچند انطباق فرهنگی پرسش‌نامه برای رعایت هنجارهای جامعه اجتناب‌ناپذیر است، اما همین امر مستلزم پذیرش این مخاطره است که برخی ابعاد پدیده به طور کامل منعکس نشوند، تعادلی ظریف که توجه به آن برای تفسیر دقیق نتایج پایش و آگاهی از محدودیت‌ها و مخاطرات احتمالی آن ضرورت دارد.

تأثیر فرهنگ «مامحور» بر نتایج تحقیق

یکی از مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار در این پژوهش، نقش فرهنگ مامحور یا جمع‌گرایانه در نحوه پاسخ‌گویی شرکت‌کنندگان بوده است. در جوامعی که ارزش‌های خانوادگی، حفظ آبرو، وفاداری گروهی و روابط درون‌خانوادگی در اولویت قرار دارند، تمایل به پنهان‌سازی بزه‌دیدگی‌هایی که از سوی نزدیکان یا اعضای خانواده رخ داده بیشتر است. فرهنگ شرقی از جمله فرهنگ ایرانی نیز تا حد زیادی مشمول این الگوی رفتاری است.

این ویژگی در نحوه پاسخ‌دهی به سؤال مربوط به نحوه آشنایی با مرتکب در دسته دوم پرسش‌نامه مشهود بوده است. بر اساس نتایج پژوهش‌های پیشین، بیش از ۶۰ درصد موارد تعرض و تجاوز جنسی توسط افرادی رخ می‌دهد که قربانی پیش از آن با آنان آشنایی داشته است (نظیر دوستان خانوادگی، فامیل، یا حتی همسر). با این حال، در نتایج به دست آمده از هر دو نوع پرسش‌نامه (ترجمه‌شده و بومی‌سازی‌شده)، گزینه «فامیل یا اعضای خانواده» کمترین میزان انتخاب را به خود اختصاص داده است، امری که با داده‌های جهانی و شواهد پژوهش‌های میدانی در تعارض قرار دارد.

همچنین، یکی از تغییرات اساسی دیگر، حذف گزاره‌ی «تجاوز توسط همسر یا شریک جنسی» از پرسش‌نامه بومی‌سازی‌شده بود. این تصمیم بر پایه ملاحظات چندگانه اتخاذ شد:

- اولاً، تجاوز همسر در قانون ایران جرم‌انگاری نشده است و اساساً مفهوم قانونی مشخصی برای آن وجود ندارد؛
- ثانیاً، حتی در صورت وقوع چنین تجربه‌ای، احتمال ابراز آن توسط بزه‌دیده بسیار اندک است، چراکه پذیرش اجتماعی این مفهوم نیز ضعیف است؛
- ثالثاً، بسیاری از پاسخ‌دهندگان در صورت داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج، تمایلی به افشای آن ندارند و در اغلب موارد، گزینه‌های خنثی‌تر مانند «مجرد» را انتخاب می‌کنند.

شاید دلیل اینکه در بین مصادیق تعرض مصداق تجاوز بین دو پرسش‌نامه رابطه معناداری نداشت نیز همین امر باشد. چرا که دو نفر از پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه ترجمه‌شده این گزینه را انتخاب نموده‌اند و بر تعداد موارد تجاوز افزوده شده است.

با این تغییرات، تلاش شد پرسش‌نامه‌ای طراحی گردد که هم‌راستا با فرهنگ رسمی، ساختار قانونی و حساسیت‌های روانی پاسخ‌دهندگان باشد و در عین حال، پاسخ‌گویی صادقانه‌تری را تسهیل کند.

به طور خلاصه، حذف مواردی نظیر روابط خارج از ازدواج، تجاوز همسر و اصطلاحات نامأنوس فرهنگی از پرسش‌نامه‌ی بومی‌سازی‌شده، اقدامی ضروری در راستای تطبیق ابزار پژوهش با چارچوب‌های فرهنگی و قانونی محسوب می‌شود که مقبولیت و امکان اجرای پایش را افزایش می‌دهد؛ با این حال، چنین حذفیاتی می‌تواند بر دقت داده‌های گردآوری‌شده و گستره‌ی مفهومی پژوهش تأثیر بگذارد و به نوعی بیانگر تداوم چالش‌های افشاگری در مطالعه‌ی بزه‌دیدگی جنسی باشد. حذف این موضوعات حساس از پرسش‌ها دامنه‌ی بررسی را به موارد مورد پذیرش عرفی و

روش آشنایی (پرسشنامه ترجمه شده)

جدول ۱۶. روش آشنایی در پرسشنامه ترجمه شده

روش آشنایی	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
از محل کار، مدرسه یا دانشگاه	۵	۱۰.۰	۱۷.۲	۱۷.۲
همسایه یا دوست	۱۱	۲۲.۰	۳۷.۹	۵۵.۲
فامیل یا اعضای خانواده	۴	۸.۰	۱۳.۸	۶۹.۰
شخص دیگری که ملاقات کرده اید یا می‌شناسید	۷	۱۴.۰	۲۴.۱	۹۳.۱
همسر یا شریک جنسی	۲	۴.۰	۶.۹	۱۰۰.۰
Total	۲۹	۵۸.۰	۱۰۰.۰	

روش آشنایی (پرسشنامه بومی‌سازی شده)

جدول ۱۷. روش آشنایی در پرسشنامه بومی‌سازی شده

روش آشنایی	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
از محل کار، مدرسه یا دانشگاه	۶	۱۲.۰	۲۳.۱	۲۳.۱
همسایه یا دوست	۸	۱۶.۰	۳۰.۸	۵۳.۸
فامیل یا اعضای خانواده	۲	۴.۰	۷.۷	۶۱.۵
شخص دیگری که ملاقات کرده اید یا می‌شناسید	۱۰	۲۰.۰	۳۸.۵	۱۰۰.۰
Total	۲۶	۵۲.۰	۱۰۰.۰	

با وجود تفاوت در حجم نمونه‌های معتبر، روند مشترک در هر دو گروه پرسش‌نامه، عدم تمایل پاسخ‌دهندگان به معرفی اعضای خانواده به عنوان مرتکب است. این مسئله ممکن است ریشه در مجموعه‌ای از عوامل روان‌شناختی، فرهنگی و حتی هویتی داشته باشد؛ از جمله:

- تمایل به حفظ آبروی خانوادگی
- شرم درونی‌شده اجتماعی از افشای رفتارهای ناپسند درون خانواده
- ترس از پیامدهای عاطفی یا قانونی برای بستگان
- و گاه ناتوانی در برچسب‌گذاری افراد آشنا به عنوان بزه‌کار

نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل نحوه آشنایی پاسخ‌دهندگان با مرتکب، نشان می‌دهد که فرهنگ مامحور و ارزش‌مدار نسبت به نهاد خانواده تأثیر عمیقی بر الگوی افشاگری در بزه‌دیدگی جنسی دارد.

در چنین فضایی، حتی ابزارهای سنجش بومی‌سازی‌شده نیز نمی‌توانند به طور کامل از موانع درونی‌شده فرهنگی عبور کنند. به نظر می‌رسد که برای دستیابی به داده‌های دقیق‌تر، پژوهشگر باید علاوه بر بومی‌سازی زبانی و فرمی ابزار، به ابعاد عمیق‌تری از ذهنیت فرهنگی پاسخ‌دهندگان توجه کند (از جمله برداشت آن‌ها از وفاداری، قضاوت اخلاقی درون خانواده، و فشارهای اجتماعی پنهان). در نهایت، این یافته بار دیگر اهمیت «زمینه فرهنگی» را نه به عنوان پس‌زمینه‌ای بی‌اثر، بلکه به عنوان یکی از فعال‌ترین نیروهای شکل‌دهنده به واقعیت آماری برجسته می‌سازد.

تأثیر شرایط فرهنگی بر فراوانی انتخاب گزینه‌های مربوط به علل عدم گزارش جرم به پلیس

در بررسی دلایل عدم گزارش بزه‌دیدگی جنسی به پلیس، یکی از پیش‌فرض‌های اصلی این پژوهش آن بود که پاسخ‌دهندگان ایرانی،

✓ ح) می‌ترسیدم خانواده یا همسرم مرا مقصر بدانند.

✓ ت) از ریختن آبرویم می‌ترسیدم.

✓ ی) به هر دلیلی نمی‌خواستم فرد متخلف مجازات

شود (در نسخه بومی‌سازی شده این گزینه به صورت

غیرمستقیم به آشنا بودن بزهکار اشاره دارد، در

حالی‌که در نسخه ترجمه شده صراحت بیشتری

دارد).

همان‌گونه که در جداول زیر مشاهده می‌شود، در هر دو

پرسش‌نامه، این گزینه‌ها دارای بالاترین فراوانی انتخاب بوده‌اند و

این موضوع فرض اولیه پژوهش را تأیید می‌کند.

تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی خاص حاکم بر جامعه، بیشتر به گزینه‌هایی تمایل نشان دهند که بر ترس از قضاوت اجتماعی، حفظ آبرو، بی‌اعتمادی به ساختار عدالت و نگرانی از واکنش خانواده دلالت دارند. این فرض با مقایسه دو نوع پرسش‌نامه، یکی ترجمه شده از نسخه غربی و دیگری بومی‌سازی شده، مورد آزمون قرار گرفت.

بر اساس سؤال شماره ۴ از دسته سوم سؤالات (علل عدم گزارش جرم)، انتظار می‌رفت در جامعه ایران، گزینه‌هایی نظیر موارد زیر بیشتر از سایر پاسخ‌ها انتخاب شوند:

✓ ز) می‌ترسیدم اطرافیانم حرفم را باور نکنند.

علل عدم گزارش در پرسشنامه ترجمه شده

جدول ۱۸. علل عدم گزارش در پرسشنامه ترجمه شده

ردیف	علت عدم گزارش	درصد انتخاب‌کنندگان
۱	عدم اطلاع از جرم بودن	۴٪
۲	عدم اهمیت پلیس به شکایت	۲۰٪
۳	بی‌فایده بودن شکایت	۱۴٪
۴	هدر رفتن وقت و هزینه	۶٪
۵	اهمیت چندانی برای من نداشت	۶٪
۶	عدم باور حرف توسط اطرافیان	۶٪
۷	ترس از مقصر بودن توسط خانواده	۲۶٪
۸	ترس از آبرو	۱۸٪
۹	به دلیل آشنا بودن مرتکب	۲٪
۱۰	نداشتن قدرت اثبات	۱۲٪

علل عدم گزارش در پرسشنامه بومی سازی شده

جدول ۱۹. علل عدم گزارش در پرسشنامه بومی سازی شده

ردیف	علت عدم گزارش	درصد انتخاب کنندگان
۱	عدم اطلاع از جرم بودن	۱۶٪
۲	عدم اهمیت پلیس به شکایت	۱۶٪
۳	بی فایده بودن شکایت	۱۲٪
۴	هدر رفتن وقت و هزینه	۱۲٪
۵	اهمیت چندانی برای من نداشت	۴٪
۶	عدم باور حرف توسط اطرافیان	۱۴٪
۷	ترس از مقصر بودن توسط خانواده	۲۴٪
۸	ترس از آبرو	۲۲٪
۹	به دلیل آشنا بودن مرتکب	۶٪
۱۰	نداشتن قدرت اثبات	۴٪

این نسخه نیز بخش قابل توجهی از تجربه‌های بزه‌دیدگی، تحت فشارهای فرهنگی و روانی، همچنان در سایه باقی می‌ماند.

تأثیر پوشش مصاحبه‌کنندگان بر میزان پاسخ‌گویی

در هر دو نسخه پرسش‌نامه، انجام مصاحبه‌ها صرفاً توسط مصاحبه‌کنندگان زن صورت گرفت. این تصمیم بر مبنای شواهد پژوهشی و تجربه‌های میدانی اتخاذ شد که نشان می‌دهند در بسیاری از فرهنگ‌ها (اعم از فرهنگ‌های غربی یا شرقی نظیر ایران) حضور یک مرد به‌عنوان مصاحبه‌گر در گفت‌وگو پیرامون موضوعات حساس، به ویژه جرائم جنسی، می‌تواند موجب احساس معذب بودن و کاهش اعتماد پاسخ‌گو گردد. البته در مواردی که تمرکز پژوهش بر بزه‌دیدگی جنسی مردان باشد، پیشنهاد می‌شود مصاحبه‌ها توسط مردان آموزش‌دیده صورت گیرد تا فضای گفت‌وگو صمیمانه‌تر و قابل پذیرش‌تر شود.

نتایج حاصل از دو پرسش‌نامه نشان می‌دهد که ساختارهای فرهنگی حاکم بر جامعه ایران نقشی تعیین‌کننده در عدم گزارش جرائم جنسی به پلیس ایفا می‌کنند. بر اساس داده‌های به دست آمده، عواملی چون ترس از قضاوت خانواده، نگرانی از بی‌آبرویی، تردید در باور دیگران و محافظت از بزه‌کار به دلیل آشنایی، بیشترین تأثیر را بر سکوت بزه‌دیدگان داشته‌اند. این در حالی است که گزینه‌هایی نظیر «نداشتن قدرت اثبات» یا «هدر رفتن وقت» در اولویت پایین‌تری قرار گرفته‌اند.

این یافته‌ها مؤید آن است که سکوت بزه‌دیدگان در فضای فرهنگی سنتی، نه تنها نتیجه‌ی ضعف نظام قضایی یا نبود آگاهی حقوقی، بلکه به مراتب بیشتر متأثر از گفتمان‌های اجتماعی و ارزشی مرتبط با آبرو، خانواده، و وفاداری است. پرسش‌نامه بومی‌سازی شده، با طرح غیرمستقیم برخی از این حساسیت‌ها، موفق شد تصویر روشن‌تری از دلایل پنهان‌سازی ارائه دهد. با این حال، حتی در

بر کیفیت پاسخ‌دهی در موضوعات حساس اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در فضای فرهنگی ایران که نمادهای پوششی حامل معانی عمیق‌تری چون اعتماد، همدلی و مشروعیت هستند، هماهنگی ظاهری میان مصاحبه‌گر و پاسخ‌دهنده می‌تواند نقش تسهیل‌گر روانی داشته باشد. انتخاب آگاهانه نوع پوشش مصاحبه‌گر به ویژه در زمینه بزه‌دیدگی جنسی زنان، که با سطح بالایی از شرم اجتماعی و ترس از برچسب‌خوردگی همراه است، می‌تواند یکی از کلیدهای افزایش دقت و عمق داده‌های کیفی و کمی باشد. به بیان دیگر، بومی‌سازی ابزار تحقیق در چنین حوزه‌هایی، نه فقط در سطح زبان و واژگان، بلکه در سطح ظاهر، منش و الگوهای رفتاری مصاحبه‌گر نیز باید مدنظر قرار گیرد.

نحوه استفاده از مصاحبه‌کننده در دو شیوه اجرای پایش

همان‌گونه که در فصل دوم نیز مورد اشاره قرار گرفت، استفاده صرف از پرسش‌نامه در مطالعاتی با موضوعاتی چون بزه‌دیدگی جنسی، به دلیل بار روانی، فرهنگی و ارزشی موضوع، اغلب کارایی کافی در استخراج داده‌های واقعی ندارد. بافت فرهنگی حاکم در چنین جوامعی نیز می‌تواند مانعی جدی و مضاعف برای افشاگری آزادانه و صادقانه افراد باشد و در نتیجه، شیوه اجرای ابزار گردآوری اطلاعات، تأثیر مستقیمی بر دقت و کیفیت نتایج پژوهش خواهد داشت.

در نسخه استاندارد و صرفاً ترجمه‌شده پرسش‌نامه، رویکرد به کار رفته مبتنی بر ارائه فرم به پاسخ‌دهنده به صورت مستقل و بدون دخالت مستقیم مصاحبه‌گر بود. در این شیوه، نقش مصاحبه‌گر صرفاً به ارائه و جمع‌آوری پرسش‌نامه محدود می‌شد و تعامل معناداری در جریان پاسخ‌گویی شکل نمی‌گرفت.

در مقابل، در نسخه بومی‌سازی‌شده از پایش، مصاحبه‌گران نقش فعال‌تری در فرآیند گردآوری اطلاعات ایفا کردند. در این شیوه، مصاحبه‌گران نه فقط واسطه‌ای انتقال پرسش‌نامه بلکه کنشگرانی موثر در مدیریت فضای مصاحبه بودند که با ایجاد حس امنیت،

در اجرای نسخه ترجمه‌شده پرسش‌نامه، نوع پوشش مصاحبه‌گران ملاک انتخاب یا تطبیق با پاسخ‌دهندگان نبود و مصاحبه‌ها بدون توجه به ظاهر پوششی مصاحبه‌گر انجام شد. اما در نسخه بومی‌سازی‌شده، با توجه به حساسیت‌های فرهنگی جامعه ایران و تجربیات حاصل از پایش‌های آزمایشی، تدابیری در این زمینه اتخاذ شد. در این روش، برای حفظ انسجام فرهنگی و کاهش مقاومت اولیه پاسخ‌دهندگان، از مصاحبه‌گران با سطح پوشش متناسب با پوشش پاسخ‌گو استفاده شد. به عنوان نمونه:

- در مواجهه با بانوان دارای حجاب کامل یا چادر، از

مصاحبه‌گرانی با پوشش مشابه استفاده شد.

- در مقابل، برای بانوانی با پوشش آزادتر، مصاحبه‌گرانی

با پوشش کمتر رسمی انتخاب شدند.

داده‌های آماری مرتبط با سؤال بخش الف نشان می‌دهد که این هماهنگی فرهنگی در پوشش، تأثیر محسوسی بر میزان مشارکت، صراحت پاسخ‌دهی و کاهش مقاومت روانی داشته است. به ویژه در گروه‌هایی با پیش‌زمینه اعتقادی قوی‌تر، حضور فردی با پوشش مشابه، فضای امن‌تری برای گفت‌وگو فراهم کرده است. نکته‌ای دیگر که در پژوهش‌های آزمایشی و تجربی مشاهده شد، نگرانی برخی بانوان شاغل در محیط‌های عمومی (نظیر فروشگاه‌ها و مغازه‌ها) از حضور مصاحبه‌گران بود. این افراد گاه تصور می‌کردند که مصاحبه‌گران نمایندگان نهادهای نظارتی هستند که هدفشان ایجاد محدودیت در فعالیت اقتصادی آنان است. در چنین مواردی، انتخاب مصاحبه‌گران با پوشش میانه و زبان بدن غیررسمی‌تر تا حدی توانست از شدت این سوءتفاهم‌ها و مقاومت‌ها بکاهد و امکان گفت‌وگویی صادقانه‌تر را فراهم آورد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در فضای دانشگاه اتفاق افتاد این چالش وجود نداشت.

یافته‌های این مبحث نشان می‌دهد که نوع پوشش مصاحبه‌گر، نه تنها یک مسئله ظاهری یا تشریفاتی نیست، بلکه به صورت مستقیم

همراهی، و تنظیم تن صدا و رفتار، به مشارکت بهتر پاسخ‌دهندگان در طرح یاری رساندند.

در هر دو نوع اجرا، پیش از آغاز فرایند میدانی، برای تمامی مصاحبه‌کنندگان (که همگی از میان بانوان انتخاب شده بودند) یک کارگاه آموزشی یک ساعته برگزار گردید. در این کارگاه، مصاحبه‌گران با ملاحظات اخلاقی، روان‌شناختی و فرهنگی مربوط به مصاحبه در حوزه جرائم جنسی آشنا شدند.

یکی از عناصر مهم مورد تأکید در آموزش‌ها، ضرورت اطمینان‌بخشی درباره حفظ حریم خصوصی پاسخ‌دهندگان بود. در فرهنگ‌هایی که پدیده خودسانسوری در آنها پررنگ‌تر است، ترس از افشا شدن هویت یا تجربه بزه‌دیدگی می‌تواند حتی از خود آسیب نیز سنگین‌تر باشد. بنابراین، در نسخه بومی‌سازی‌شده، این اطمینان‌دهی نه تنها در متن آغازین پرسش‌نامه گنجانده شد، بلکه توسط مصاحبه‌گران نیز به صورت زبانی و رفتاری مورد تأکید مجدد قرار گرفت.

این تدابیر حمایتی، به ویژه در زمینه جرائم جنسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش سطح اعتماد پاسخ‌گویان، کاهش اضطراب و شکستن سکوت روانی آنان دارد؛ حتی اگر آمار نهایی بزه‌دیدگی تغییر محسوسی نداشته باشد، سطح کیفیت داده‌ها و میزان صراحت پاسخ‌ها به طور محسوسی افزایش خواهد یافت.

بررسی نحوه استفاده از مصاحبه‌گران در دو شیوه اجرای پایش نشان می‌دهد که نقش فعال مصاحبه‌گر در محیط‌های فرهنگی با

حساسیت بالا، نقشی کلیدی و مؤثر دارد. این نقش نه تنها به تسهیل فرایند پاسخ‌گویی منجر می‌شود، بلکه در ایجاد فضای روانی امن، شکستن سکوت ناشی از شرم و کاهش فشارهای درونی پاسخ‌دهنده تأثیر دارد. در مدل‌های استاندارد، حذف عنصر همراهی انسانی، ممکن است منجر به کاهش نرخ پاسخ‌دهی یا افزایش پاسخ‌های تدافعی شود. از این رو، در بومی‌سازی پرسش‌نامه‌هایی با موضوعات تابوشکن، حضور مصاحبه‌گران آموزش‌دیده، همدل و متناسب با بافت فرهنگی جامعه، نه یک امکان، بلکه ضرورتی اساسی در فرایند تحقیق است.

جمع‌بندی داده‌های تحقیق

در مجموع، نتایج به‌دست‌آمده از مقایسه دو نسخه پرسش‌نامه (ترجمه‌شده و بومی‌سازی‌شده) نشان می‌دهد که فرآیند بومی‌سازی ابزار تحقیق و شیوه اجرای آن تأثیر قابل توجهی بر میزان گزارش‌دهی بزه‌دیدگی جنسی داشته است. افزایش میزان افشاگری در نسخه بومی‌سازی‌شده را می‌توان نشانه‌ای از موفقیت در ایجاد فضای روانی امن‌تر و افزایش اعتماد پاسخ‌دهندگان نسبت به هدف و ماهیت پژوهش تلقی کرد. این امر می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به آماری نزدیک‌تر به واقعیت پنهان‌شده بزه‌دیدگی جنسی در جامعه باشد.

به‌عنوان مثال، جدول زیر میزان بروز «فعالیت ناخواسته جنسی» را در دو نسخه پرسش‌نامه نشان می‌دهد:

جدول ۲۰. میزان فعالیت ناخواسته جنسی در پرسش‌نامه بومی‌سازی‌شده

فعالیت ناخواسته	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
بله	۴۳	۸۶.۰٪	۸۶.۰٪	۸۶.۰٪
خیر	۷	۱۴.۰٪	۱۴.۰٪	۱۰۰.۰٪
Total	۵۰	۱۰۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	

جدول ۲۱. میزان فعالیت ناخواسته جنسی در پرسش‌نامه ترجمه‌شده

فعالیت ناخواسته	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
بله	۳۹	۷۸.۰٪	۷۸.۰٪	۷۸.۰٪
خیر	۱۱	۲۲.۰٪	۲۲.۰٪	۱۰۰.۰٪
Total	۵۰	۱۰۰.۰٪	۱۰۰.۰٪	

با مقایسه این داده‌ها، می‌توان مشاهده کرد که در نسخه بومی‌سازی‌شده، تعداد بیشتری از پاسخ‌دهندگان بزه‌دیدگی خود را اعلام نموده‌اند. در ابتدا به نظر می‌رسید این یافته تأییدکننده‌ی فرضیه اصلی پژوهش است که بومی‌سازی، به ویژه در زمینه موضوعات حساس و تابوشکن مانند تعرض جنسی، می‌تواند با کاهش موانع فرهنگی و روانی، به آشکارسازی واقعیت نزدیک‌تری منجر شود.

ولی نتایج آزمون کای دو ما را به نتیجه دیگری می‌رساند. با مقایسه نتایج دو نسخه پرسش‌نامه مشاهده می‌شود که در نسخه بومی‌سازی‌شده، ۸۶٪ از پاسخ‌دهندگان تجربه بزه‌دیدگی را گزارش کرده‌اند، در حالی که این رقم در نسخه ترجمه‌شده ۷۸٪ بوده است. به منظور بررسی معناداری این تفاوت، آزمون کای دو (Chi-square) بین دو گروه انجام شد. نتیجه آزمون با مقدار آماره ۰.۶۱ و مقدار p-value برابر با ۰.۴۳۵ نشان داد که تفاوت میان دو گروه از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین، می‌توان گفت که با وجود تفاوت عددی در فراوانی گزارش‌ها، این اختلاف از نظر

آماري قابل اتکا نیست و احتمالاً ناشی از نوسانات طبیعی نمونه یا برداشت‌های مشابه پاسخ‌دهندگان از واژگان کلیدی در هر دو نسخه پرسش‌نامه بوده است.

اگرچه امکان اندازه‌گیری تأثیر مجزای هر یک از عوامل بومی‌سازی (نظیر زبان پرسش‌ها، پوشش مصاحبه‌گر، شیوه اجرای مصاحبه و...) به صورت دقیق وجود ندارد، اما تأثیر ترکیبی این عوامل در افزایش گزارش‌دهی قابل مشاهده و تحلیل است. این تجربه می‌تواند به عنوان الگویی راهبردی برای طراحی پژوهش‌های مشابه در سایر موضوعات و جوامع با زمینه فرهنگی حساس مورد توجه قرار گیرد.

یافته‌های کمی پژوهش نشان داد که پرسشنامه بومی‌سازی‌شده در برخی مصادیق به‌طور معناداری نرخ اعلام تجربه بزه‌دیدگی جنسی را افزایش داده است. برای تحلیل این تفاوت، پاسخ‌های مربوط به شش مصداق اصلی (لمس ناخواسته، اصرار به رابطه، شنیدن الفاظ رکیک، تلاش برای تجاوز، تجربه تجاوز و سایر موارد تعرض جنسی) در دو گروه بررسی شد.

جدول ۲۲. خلاصه نتایج دو گروه

مصادیق بزه‌دیدگی	درصد پاسخ‌دهی مثبت در پرسشنامه ترجمه‌شده	درصد پاسخ‌دهی مثبت در پرسشنامه بومی‌شده
لمس ناخواسته بدن	۳۲٪	۴۸٪
اصرار برای برقراری رابطه جنسی	۲۶٪	۴۲٪
شنیدن الفاظ رکیک جنسی یا در میان گذاشتن ناخواسته فانتزی‌ها	۲۸٪	۴۴٪
تلاش برای تجاوز جنسی	۱۸٪	۳۴٪
تجربه تجاوز کامل	۶٪	۱۲٪
سایر موارد تعرض جنسی	۴۰٪	۵۶٪

بر اساس نتایج آزمون کای دو، تفاوت میان داده‌های حاصل از دو پرسش‌نامه در سه دسته از مصادیق تعرض جنسی به‌طور آماری معنادار ارزیابی شده است:

- لمس بدن ($p = 0.024$)
- الفاظ رکیک یا فانتزی‌های ناخواسته ($p = 0.002$)
- تلاش برای تجاوز ($p = 0.030$)

در این سه مورد، سطح افشای بزه‌دیدگی در پرسش‌نامه بومی‌سازی‌شده به‌طور معناداری بیشتر از پرسش‌نامه ترجمه‌شده بوده است. این تفاوت می‌تواند نشانه‌ای از افزایش اعتماد و کاهش موانع افشاگری در نتیجه بومی‌سازی پرسش‌ها، نحوه بیان، و نحوه تعامل مصاحبه‌گر با پاسخ‌دهنده باشد.

در مقابل در دسته‌های "اصرار برای برقراری رابطه جنسی" و "تجاوز جنسی" و "سایر موارد تعرض جنسی" تفاوت بین دو نوع پرسش‌نامه معنادار نبوده است. این امر ممکن است ناشی از پیچیدگی فرهنگی و روانی این دسته‌ها، حساسیت بالاتر موضوع، یا در برخی موارد، برداشت‌های مشابه از واژگان کلیدی در هر دو نسخه پرسش‌نامه باشد.

نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت میانگین‌های پاسخ‌های مثبت بین دو گروه در برخی موارد از نظر آماری معنادار ($p < 0.05$) است. همچنین اندازه اثر متوسط تا زیاد ($Cohen's d$) بین ۰.۵ تا ۰.۸، برای برخی متغیرها، گویای تأثیر قابل توجه بومی‌سازی در افزایش سطح افشای تجربه بزه‌دیدگی است.

تحلیل کیفی مصاحبه‌ها

داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با زنان و متخصصان، در رسیدن به مصادیق آزار جنسی و تعیین فاکتورهای بومی‌سازی پرسش‌نامه کمک کرد. مهم‌ترین یافته‌های کیفی عبارت‌اند از:

- واژگان مستقیم و صریح در پرسش‌نامه موجب خجالت یا انکار می‌شدند، به‌ویژه زمانی که مصادیق تجاوز یا لمس بدن مطرح می‌شد.
- پرسش‌نامه بومی‌شده با استفاده از زبان غیرمستقیم، فضای امن‌تری برای پاسخ‌دهی فراهم کرده بود.
- برخی از پاسخ‌دهندگان اظهار کردند که اگر از همان ابتدا می‌دانستند موضوع مربوط به مسائل «خصوصی» است، شرکت نمی‌کردند.
- پرسش‌نامه بومی‌سازی شده باعث افزایش اعتماد و کاهش اضطراب پاسخ‌دهنده شده است.
- کارشناسان عدالت کیفری اذعان داشتند که ترس از برچسب اجتماعی، ترس از خانواده، و بی‌اعتمادی به پیگیری قضایی از مهم‌ترین دلایل کتمان تجربه خشونت جنسی هستند.

بحث

یافته‌های این پژوهش، به‌ویژه اختلاف معنادار میان نرخ‌های اعلام بزه‌دیدگی در دو نوع پرسش‌نامه، گویای آن است که زبان، ساختار و محتوای فرهنگی ابزار سنجش، در خودافشایی زنان درباره تجربه‌های بزه‌دیدگی جنسی نقش ایفا می‌کند. این نتایج در امتداد پژوهش‌های پیشین بین‌المللی قرار می‌گیرد؛ برای مثال، ون‌دیک (Van Dijk, 2007) و گزارش‌های UNODC (۲۰۱۰) نیز تأکید دارند که در جوامع غیرغربی، بویژه محافظه‌کار، پرسش‌نامه‌های استاندارد بدون تطبیق فرهنگی اغلب منجر به داده‌های گمراه‌کننده می‌شوند.

در این پژوهش، افزایش نرخ گزارش‌دهی در نسخه بومی‌شده، خصوصاً در مصادیق حساس مانند «تلاش برای تجاوز» و «الفاظ رکیک جنسی»، نشان‌دهنده‌ی حساسیت روانی شدید نسبت به واژگان و سبک بیان مستقیم در نسخه ترجمه‌شده بود. در عوض، نسخه بومی‌شده، با بهره‌گیری از لحن غیرمستقیم، حذف یا تعدیل

بالاتری از افشای تجربه بزه‌دیدگی را در میان زنان پاسخ‌گو ایجاد کند.

این افزایش در گزارش‌دهی، به‌ویژه در موضوعاتی چون لمس ناخواسته، شنیدن الفاظ جنسی، و تلاش برای تجاوز، نشان‌دهنده اهمیت طراحی حساس فرهنگی در ابزار سنجش است. همچنین تحلیل مصاحبه‌های کیفی تأیید کرد که واژگان، لحن، و سبک پرسشگری، بر میزان اعتماد، امنیت روانی و تمایل به پاسخ‌گویی تأثیر می‌گذارند.

در نتیجه، می‌توان گفت که بومی‌سازی نه‌تنها یک ترجمه زبانی، بلکه یک فرایند فرهنگی، اخلاقی و روانی است که در صورت اجرای درست، به بازنمایی دقیق‌تر واقعیت اجتماعی منجر می‌شود. این مطالعه تأکید دارد که ابزارهای استاندارد بین‌المللی، پیش از استفاده در جامعه‌ای مانند ایران، نیازمند انطباق عمیق با بافت فرهنگی، مذهبی و جنسیتی آن هستند.

پیشنهادهات

۱. تدوین دستورالعمل ملی برای بومی‌سازی ابزارهای پایش بزه‌دیدگی، با همکاری مشترک بین دانشگاه‌ها، سازمان‌های حمایتی، و نهادهای قضایی.

۲. آموزش تخصصی مصاحبه‌گران در زمینه حساسیت‌های فرهنگی، روانی و زبانی هنگام مواجهه با قربانیان خشونت جنسی.

۳. ترکیب روش‌های کمی با تحلیل‌های کیفی برای درک عمیق‌تر زمینه‌های پنهان خودسانسوری و کتمان واقعیت.

۴. اجرای طرح‌های آزمایشی در شهرها و گروه‌های جمعیتی مختلف برای ارزیابی گسترده‌تر ابزارهای بومی‌شده در نقاط فرهنگی متفاوت کشور.

هرچند تلاش شد اجرای پژوهش با حداکثر دقت و رعایت اصول علمی همراه باشد، این مطالعه با برخی محدودیت‌ها نیز مواجه بود:

اصطلاحات تابو، و ارائه مثال‌های ملموس و فرهنگی، اعتماد اولیه پاسخ‌دهنده را افزایش داد.

مطالعه حاضر همچنین بر نقش خودسانسوری، ترس از قضاوت اجتماعی، و ارزش‌های سنتی حول «آبرو» تأکید دارد. عواملی که پیش‌تر نیز در پژوهش میرمعصوم نژاد (۱۳۹۵) درباره بزه‌دیدگی خیابانی در مشهد شناسایی شده بودند. از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، این عوامل را می‌توان جزو سازوکارهای بازدارنده روانی دانست که به‌جای حمایت از قربانی، منجر به پنهان‌سازی واقعیت جرم می‌شوند.

نکته مهم دیگر این است که وجود تفاوت معنادار آماری، به‌تنهایی به معنای کفایت ابزار بومی سازی شده نیست. تحلیل کیفی نشان داد که حتی در نسخه بومی نیز پاسخ‌دهندگان با تردید، ترس، و اضطراب همراه بودند. به‌عبارت دیگر، اگرچه ابزار بومی‌شده شرایط بهتری برای افشای واقعیت فراهم کرد، اما اثر ساختارهای فرهنگی عمیق همچنان پابرجاست و نمی‌توان صرفاً با اصلاح واژگان، تمامی موانع روانی و اجتماعی را از میان برداشت.

در نتیجه، پژوهش حاضر در عین تأیید ضرورت بومی‌سازی، بر اهمیت آموزش دقیق پرسشگران، انتخاب زمان و فضای مناسب، و طراحی چارچوب‌های ترکیبی (کمی و کیفی) نیز تأکید دارد. همچنین یافته‌ها می‌توانند زمینه‌ساز اصلاح سیاست‌های آماری و قضایی در حوزه جرائم جنسی باشند؛ سیاست‌هایی که در غیاب داده‌های واقعی، اغلب بر پایه حدس، فشار رسانه‌ای یا گزارش‌های پلیسی ناقص شکل می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرات بومی‌سازی ابزارهای اجرای پایش بزه‌دیدگی جنسی در ایران، از طریق مقایسه دو نوع پرسشنامه (ترجمه‌شده و بومی سازی شده)، به نتایج مهمی دست یافت. یافته‌ها نشان داد که نسخه بومی‌شده پرسشنامه، به‌واسطه انطباق با زبان، ارزش‌ها و ساختارهای فرهنگی جامعه، توانست سطح

محدود بودن جامعه آماری به یک دانشگاه امکان تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق را محدود می‌کند.

به دلیل محدودیت‌های اخلاقی و اجرایی مرتبط با مطالعه جرائم جنسی، استفاده از روش‌های دقیق‌تر نمونه‌گیری با محدودیت‌هایی مواجه بود، بنابراین از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد که این امر موجب کاهش کنترل بر تنوع جمعیت آماری گردید. مقاومت پاسخ‌گویان به سؤالات حساس حتی در نسخه بومی‌شده نیز در برخی موارد منجر به خودسانسوری شده که ممکن است بر نتایج اثر گذاشته باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Sexual victimization remains one of the most underreported and methodologically challenging domains in criminological and socio-legal research, particularly in culturally conservative societies like Iran. This study investigates the impact of localizing victimization monitoring tools on the accuracy and honesty of data collection among female university students in Rasht, Iran. Using a quasi-experimental design, the researchers administered two types of questionnaires to two demographically matched groups of 50 women each—one group received a direct translation of an internationally standardized instrument, while the other received a culturally localized version. Localization adjustments included altering linguistic phrasing, eliminating legally or socially sensitive items, and modifying interviewer appearance and demeanor. The aim was to determine whether such changes would affect the level of disclosure of sexual victimization experiences. The findings suggest that the localized questionnaire produced slightly higher rates of disclosure (86% vs. 78%), but this difference was not statistically significant in the overall measure of unwanted sexual activity ($\chi^2 = 0.61$, $p = 0.435$). However, significant differences were found in specific victimization subcategories, including reports of unwanted touching (72% vs. 56%, $\chi^2 = 5.10$,

$p = 0.024$), hearing sexually explicit language (72% vs. 48%, $\chi^2 = 10.07$, $p = 0.002$), and attempted rape (60% vs. 34%, $\chi^2 = 4.71$, $p = 0.030$). These findings align with international scholarship indicating that standard victimization tools, when applied without cultural adaptation, may fail to elicit truthful responses in non-Western societies (Drugs & Crime, 2010; Van Dijk, 2007).

The theoretical foundation of this study draws upon criminology, social psychology, and comparative victimology. Prior work in the Iranian context has highlighted the discrepancy between official statistics and the lived experiences of victims, especially in cases involving sexual harassment or assault. Aram, for example, demonstrated how organizational culture in Iran's legal system and social institutions influences the underreporting of crimes such as public harassment (Aram, 2014). Furthermore, international surveys such as the International Crime Victims Survey (ICVS) have shown that respondents from Muslim-majority and conservative societies often avoid disclosing experiences related to sexual victimization due to fear of judgment, stigma, and distrust of authorities (Bakhtiari, 2015; Saleh-Nejad, 2017). The current study builds on this foundation by operationalizing localization through multiple dimensions: replacing stigmatized or legally ambiguous terms (e.g.,

“partner” or “extramarital relationship”), avoiding direct references to behaviors criminalized under Islamic law, and tailoring interviewer training and attire to align with the participants' cultural backgrounds. The hypothesis was that these adaptations would not only reduce social desirability bias but also increase participants' psychological comfort, ultimately enhancing both the quantity and the quality of disclosures.

In the quantitative findings, several differences between the two survey versions were identified. In the translated questionnaire, 39 out of 50 women (78%) reported having experienced at least one form of unwanted sexual activity in their lifetime, compared to 43 out of 50 women (86%) in the localized version. While this 8-percentage-point difference was not statistically significant in aggregate, it was more pronounced in specific categories. For instance, in the translated version, 28 women (56%) reported unwanted touching, whereas the localized version recorded 40 such reports (72%). Reports of hearing sexually explicit language or unsolicited sharing of sexual fantasies rose from 24 (48%) in the translated version to 40 (72%) in the localized version. The frequency of reported attempted rape increased from 17 (34%) to 30 (60%) between the two groups. These increases were supported by statistically significant chi-square values in the aforementioned categories. Conversely, categories like full rape (24% vs. 34%, $\chi^2 = 2.12$, $p = 0.145$) and sexual coercion (50% vs. 44%, $\chi^2 = 0.10$, $p = 0.757$) did not show significant differences, possibly due to continued stigma or respondents' difficulty distinguishing coercion from consent in culturally charged scenarios.

The qualitative component of the study offered additional insights into the psychological and cultural mechanisms influencing disclosure. Semi-structured interviews with a subset of participants and justice professionals revealed

several recurrent themes. Many respondents expressed reluctance to use explicit language, especially in response to questions involving anatomical terminology or graphic descriptions. The localized version's use of softer, indirect language was frequently cited as making participants feel "less judged" and "more willing to answer." Moreover, interviewers reported that women from more religious or conservative backgrounds responded more openly when the interviewer's attire matched their expectations—e.g., chador or hijab for more traditional participants. The study also uncovered a consistent underreporting of victimization by relatives: in both versions, the percentage of respondents naming family members as perpetrators was only 8% (translated) and 4% (localized), despite international data suggesting that over 60% of sexual assaults involve known individuals. These findings highlight the persistent influence of collectivist values and the concept of “family honor” in shaping disclosure behavior, even in a culturally adapted survey setting (Aram, 2014).

Other notable results emerged in participants' explanations for why they did not report their victimization to the police. Among those who chose not to report, the leading reasons were fear of being blamed by family (translated: 26%, localized: 24%), concern about reputational damage (translated: 18%, localized: 22%), and belief that the complaint would not be taken seriously (translated: 20%, localized: 16%). Interestingly, in the localized version, there was also a slight increase in the selection of reasons suggesting personal resignation or normalization of the violence—such as “I didn't think it was important” (localized: 4%)—which may reflect the internalization of patriarchal norms. Importantly, responses to the translated version included a broader range of terms and concepts unfamiliar to many participants, such as “civil partner” or “separated,” which

were revised or eliminated in the localized version due to their legal ambiguity in the Iranian context. Additionally, categories related to “marital rape” or “rape by a partner” were omitted in the localized version because these are not criminalized under Iranian law. These omissions were necessary for legal and ethical compliance but may also have led to underreporting in these specific categories.

One of the more innovative aspects of this study was the adjustment of the interviewer protocol. In the translated version, interviews were conducted with minimal interpersonal engagement and standardized attire. By contrast, the localized approach involved strategic alignment between interviewer and respondent in terms of language, demeanor, and clothing. Interviewers were trained to match their level of formality and visible religiosity to that of the respondent, a tactic that significantly increased participation rates and disclosure comfort. For example, in the localized condition, the presence of similarly dressed female interviewers resulted in visibly lower levels of initial anxiety and higher compliance with follow-up questions. These interpersonal dynamics were crucial in reducing defensive behavior and eliciting more authentic responses. Another key adaptation involved the delivery method: whereas the translated version relied on paper forms, the localized version encouraged oral interviews in a semi-private setting, guided by a trained female interviewer. This modification recognized that for many participants, the perceived anonymity of the written word was insufficient to overcome internalized shame and distrust.

In conclusion, this study illustrates the transformative power of cultural localization in increasing both the reliability and validity of data on sexual victimization. By adapting international tools to reflect the cultural, religious, and legal context of Iran, the researchers were able to foster a more open

dialogue around experiences of sexual harm, though not without limitations. While aggregate disclosure rates did not always reach statistical significance, subcategory analysis and qualitative findings point to clear benefits of localization—particularly in areas involving taboo language, interpersonal trust, and cultural congruence. This research not only validates existing international critiques of universalized methodologies in sensitive domains but also contributes a replicable model for designing localized surveys that prioritize ethical alignment and contextual relevance. The study underscores that in conservative societies, disclosure is not merely a function of truth-telling but of safety, identity, and moral resonance.

References

- Aram, E. (2014). *Examining Statistical Deficiencies in the Crime Reporting System for Sexual Offenses in Iran* [Master's thesis, Allameh Tabataba'i University].
- Bakhtiari, S. (2015). Criminology of Hidden Victimization Among Women: A Reflection on the Culture of Shame and Silence. *Women and Society Quarterly*, 3(2), 93-115.
- Drugs, U. N. O. o., & Crime. (2010). *Manual on Victimization Surveys*.
- Saleh-Nejad, N. (2017). Cultural Challenges in Reporting Sexual Violence in Iran. *Journal of Social Welfare*, 17(2), 105-124.
- Van Dijk, J. (2007). *The World of Crime: Breaking the Silence on Problems of Security, Justice and Development Across the World*. Sage Publications.
<https://doi.org/10.4135/9781483329789>